

نمایش «۶۵۷» به نویسندگی محمد چرمشیر و شهرام گیل آبادی و به کارگردانی شهرام گیل آبادی از دوشنبه ۸ خرداد در تماشاخانه ایرانشهر اجراهای خود را آغاز می‌کند.سینما تیرانداز، امیر غفیمی، حمیدرضا ترکاشوند، فرانک جواهری، هلیا عمرانی، سحر رضاقلی، سینا صفری، محمدمهدی قاسمی، محمد سنجری و محمدحسین ابراهیمی بازیگران این نمایش هستند.مهدی گودرزی (مدیرتولید)،امیر پارسانیان(مهر(مجری

نمایش «۶۵۷» در ایرانشهر

گفت‌وگوی «جام جم» با نادر فلاح، کارگردان نمایش «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد»

دهخدا، فردوسی معاصر ماست



رضاشافته گروه‌رهبرنگ
این روزها نادر فلاح در حال اجرای نمایش «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» است که آن را از ۲۶ فروردین در تالار مولوی روی صحنه برده است. البته فقط کارگردانی این اثر با اوست و در آن، این بازیگر نام‌آشنا بازی نمی‌کند. به باور فلاح، گروه بازیگران این نمایش جمعی از بازیگران جوان و آینده‌دار تئاتر هستند که امیدوار است به زودی با آنها یک گروه تئاتری تشکیل دهد.نمایش «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» بر اساس نمایشنامه «در آستانه» نوشته دکتر امیرحسین طاهری، نویسنده سیرجانی و هم‌استانی فلاح (کرمان) طراحی شده و داستان آن هم درباره برش و برهه‌هایی از زندگی علی‌اکبر دهخداست. نادر فلاح تاکنون کارگردانی نمایش‌های «مختلف‌الاضلاع» در سال ۹۳، «دو به دل» در سال ۸۹ و «افق در آوای پرنندگان زرد» در سال ۹۰ را در کارنامه هنری‌اش دارد. او فعالیت‌های نمایشی خود را از سال ۶۸ در کرمان با بازی در نمایش‌های دو به دل، شاه بازی خیال بازی، پرده راز، همای و همایون و آخرین برومند آغاز کرد.دریافت جایزه کارگردان برگزیده از جشنواره تئاتر استان کرمان و جشنواره منطقه‌ای زاهدان از جمله جوایز تئاتری اوست.از نمونه آثار بازیگری‌اش در سینما می‌توان به نوبت لیلی، پذیرایی ساده، مجوز خروج، سدمعبر، دریاچه ماهی، لانتوری، خانه دختر، چند کیلو خرما برای مراسم تدفین و لایه‌های دروغ اشاره کرد.
با نادر فلاح درباره کارگردانی «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» گفت‌وگو کرده‌ایم:

چطور شد امسال بر خلاف سال گذشته تئاتر را به جای بازی با کارگردانی آغاز کردید؟

تحصیلات تکمیلی من کارگردانی تئاتر است و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و علاقه‌مندی‌های من همیشه کارگردانی بوده و هر زمان که مجالی پیش بیاید حتماً کارگردانی یک اثر را در برنامه‌هایم قرار می‌دهم و نمایشنامه‌های دکتر امیرحسین طاهری را هم بارها خوانده‌ام و پیش از این هم تمرین‌های یک اثر دیگر از ایشان را تمرین کردم، ولی به اجرا نرسید که امسال خوشبختانه مجال کارکردن روی این نمایشنامه برایم مهیا شد.

امسال تهیه‌کنندگی را هم با نمایش کابوس‌های آنکه نمی‌میرد تجربه و با یک گروه نسبتاً بزرگ کار کردید؛ این تجربه برایتان چقدر سودمند بوده‌است؟
پیدا کردن تهیه‌کننده برای تئاتر کمی دشوار است و از طرفی ممکن است فردی که سرمایه تهیه یک اثر را تأمین می‌کند، انتخاب‌ها و ایده‌هایی متفاوت داشته باشد که همین کار را برای کارگردان کمی پیچیده می‌کند. این کار هم در ابتدا سرمایه‌گذارهایی داشت که بعد از مدتی به توافق نرسیدیم و به اجبار خودم تهیه‌کنندگی کار را به عهده گرفتم و راضی‌ام چون کار راحت‌تر و با دغدغه کمتری پیش رفت.

کارکردن با جوان‌ها سخت است. تمرین‌ها چگونه پیش رفته‌است؟
به هر حال یکی از مسائل بزرگ کار گروهی چالش برای هماهنگی بین آدم‌هایی است که سلیاق و اخلاق و رفتار متفاوتی دارند؛ حالا مخاطبان تالار مولوی اکثراً جوان و هنرجویان تئاتر هستند. مواجهه خیلی جذابی است؛ البته طیف خیلی متنوعی به تماشای نمایش می‌آیند و برای من ملاقات با تماشاگر متنوع بسیار جذاب است. البته مجال گفت‌وگو

طرح)، ابراهیم حقیقی (طراح گرافیک)، نوید فرح‌مرزی (مدیر هنری)، مهدی گودرزی (طراح تیزر)، رضا جاویدی (عکاس)، امیر پارسانیان‌مهر(مدیر ارتباطات و روابط عمومی)، نگار امیری (مشاور رسانه)، شقایق رحیمی نژاد (مشاور کارگردان)، کیما آذیراک و فاطمه گیل آبادی (دستیاران کارگردان) و علی شرفی (تدارکات) دیگر عوامل این نمایش هستند.نمایش «۶۵۷» به شیوه تعاملی روایتگر موضوعات عاطفی، اجتماعی و عاشقانه

کولبری است که ماشین خواب‌شده است.گیل آبادی در توضیحی درباره‌این‌نمایش گفت: ماشین خوابی یک پدیده جدید اجتماعی است که به علت شرایط بد اقتصادی، در کشور در حال دیده شدن است. ماشین خوابی مانند گورخوابی، جوب خوابی و پل خوابی است که از دید هنرمندان نادیده نمی‌ماند. علاقه‌مندان به تهیه اینترنتی بلیت‌ها این نمایش می‌توانند به سایت تماشاخانه ایرانشهر یا سامانه‌تیوال مراجعه نمایند.

منطق تصاویر مغشوش ذهن شخصیت اصلی قصه است.

البته منظور لباس بانوان است تا مردان؟
البته منطق رئالیسم تاریخی به صورت کامل در طراحی لباس مد نظر نبوده و نشانه‌های زمانی مبنای طراحی لباس بوده و زنان زمان پهلوی دوم شامل مادر و عذرا لباس‌شان با زنان زمان محمدعلی‌شاه (ایرانه‌خاتم و محصله‌های مدرسه دوشیزگان) متفاوت است.

گستره تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی درک فلسفی از این موقعیت چقدر کار را برای شما و گروه و درآمدن صحنه‌ها و خرده‌نمایش‌ها سخت کرده‌است؟

البته شباهت‌های فراوان و رویدادهای مدام تکرارنشونده در این گستره تاریخی و از طرفی ذهنی بودن اثر کار را برای ما راحت کرد و توانستیم از مسیر پر پیچ و خم تاریخ بیش از صد ساله عبور کنیم.

به نظر می‌رسد موسیقی می‌توانست مکمل فضا باشد، اما انکار رنگ باخته‌است؟

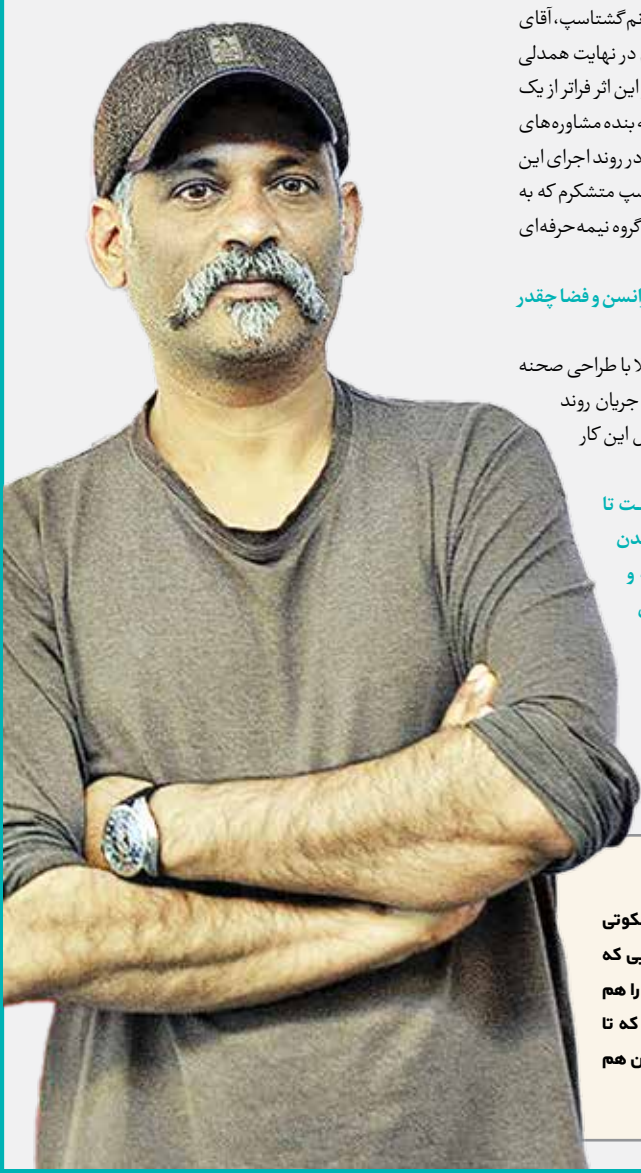
طراح و نوازنده موسیقی گروه هستند و تجربه کمی دارند و از طرفی تقریباً هیچ تجربه‌ای در زمینه موسیقی تئاتر نداشتند ولی من از کار ایشان راضی هستم و عقیده دارم که باید فرصت کسب تجربه را در اختیار جوانان قرار بدهم تا نسلی نو برای تئاتر به یادگار بگذاریم.

کارگردانی هنر پیچیده‌ای است؛ اگر بگویند در کار اخیرتان از پس آن برآمده‌اید چه احساسی دارید؟

خیلی خوشحال می‌شوم اگر افراد صاحب نظر و کارشناسان این هنر پیچیده تأیید کنند که توانسته‌ام دست‌کم چند جنبه اساسی کارگردانی تئاتر را به خوبی اجرا کنم و با اراده و امید بیشتری به کارگردانی ادامه خواهم داد.

از میان کارگردانی و بازیگری کدام یک اولویت شماست و چرا؟
قطعا کارگردانی؛ چون به قول فرمایش شما پیچیده‌تر و موثرتر از بازیگری است و نیاز به علم و دانش و خلاقیت گسترده‌تری دارد.

کارگردان تقریباً باید ذوق و قریحه و دانش کافی نسبت به همه شکل‌های هنری داشته باشد تا بتواند در اثرش وحدت زیبایی‌شناسانه را به تصویر بکشد.



برش

به تماشاگر زیاد پیش نمی‌آید ولی اغلب از روی سکوتی که در طول اجرا وجود دارد و همین طور پیام‌هایی که بعدها دریافت می‌کنیم، می‌توانیم نظر تماشاگرها را هم بدانیم و این شکل مواجهه ما با تماشاگرهاست که تا این زمان خیلی مثبت بوده و به نقطه ضعف‌های‌مان هم اشاره کرده‌اند.

چطور شد امسال بر خلاف سال گذشته تئاتر را به جای بازی با کارگردانی آغاز کردید؟

تحصیلات تکمیلی من کارگردانی تئاتر است و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و علاقه‌مندی‌های من همیشه کارگردانی بوده و هر زمان که مجالی پیش بیاید حتماً کارگردانی یک اثر را در برنامه‌هایم قرار می‌دهم و نمایشنامه‌های دکتر امیرحسین طاهری را هم بارها خوانده‌ام و پیش از این هم تمرین‌های یک اثر دیگر از ایشان را تمرین کردم، ولی به اجرا نرسید که امسال خوشبختانه مجال کارکردن روی این نمایشنامه برایم مهیا شد.

امسال تهیه‌کنندگی را هم با نمایش کابوس‌های آنکه نمی‌میرد تجربه و با یک گروه نسبتاً بزرگ کار کردید؛ این تجربه برایتان چقدر سودمند بوده‌است؟

پیدا کردن تهیه‌کننده برای تئاتر کمی دشوار است و از طرفی ممکن است فردی که سرمایه تهیه یک اثر را تأمین می‌کند، انتخاب‌ها و ایده‌هایی متفاوت داشته باشد که همین کار را برای کارگردان کمی پیچیده می‌کند. این کار هم در ابتدا سرمایه‌گذارهایی داشت که بعد از مدتی به توافق نرسیدیم و به اجبار خودم تهیه‌کنندگی کار را به عهده گرفتم و راضی‌ام چون کار راحت‌تر و با دغدغه کمتری پیش رفت.

کارکردن با جوان‌ها سخت است. تمرین‌ها چگونه پیش رفته‌است؟

به هر حال یکی از مسائل بزرگ کار گروهی چالش برای هماهنگی بین آدم‌هایی است که سلیاق و اخلاق و رفتار متفاوتی دارند؛ حالا

جام جم

تئاتر

THEATER

یکشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۶۴۹۸

یادداشت

آواحدادی نویسنده و کارگردان نمایش «دارما»

هراس انسان‌ها از تحول درونی

آوا حدادی، دارای مدرک دیپلم تئاتر و کارشناسی کارگردانی سینما، از سال ۸۴ به‌صورت حرفه‌ای تئاتر را آغاز و دنبال کرده و عضو هسته مرکزی گروه تئاتر جلفا و موسس و سرپرست گروه تئاتر دژاوست. او از سال ۹۵ به‌صورت مستقل کارگردانی را با نمایش «نی‌نی اخاذ» اثر اسلاویر مرورک آغاز کرد. «سمفونی خاموش»، دو مرحله اجرای نمایش «پیک‌نیک در میدان جنگ» با دو گروه متفاوت از بازیگران، «مدهی سن‌مدار» و «دارما» از دیگر تجربه‌های او در حوزه کارگردانی است. حدادی سابقه بازیگری، گریم و طراحی دکور و لباس را نیز در کارنامه هنری خود دارد. تمام آثار گروه دژاودر سبک سوررئال وفضای فانتزی اجرا شده‌اند. نمایش دارما به‌دلیل پیام و فضایی که دارد به نسبت دیگر آثار آوا حدادی و با توجه به این‌که پنج‌مین تجربه کارگردانی اوست، به عقیده خودش تااین لحظه بهترین وکم‌نقص‌ترین اثر اوست. حدادی این روزها نمایش دارما را براساس زمانی از ژان تولی در تالار هنر سالن نقش جهان اصفهان روی صحنه آورده که با استقبال خوب تماشاگران روبه‌رو شده است. به این بهانه، یادداشت او را در مورد اجرای نمایش دارمامی‌خوانید.

دارما، روایتی از کودک درون و همان نور امید ی است که در قلب همه انسان‌هاست، حتی در بدترین شرایط بازهم امید به معجزه و بهبود همه چیز داریم. گاهی تلنگری کوچک اتفاقی بزرگ را رقم می‌زند. یک کودک می‌تواند روحی بزرگ داشته باشد که مسیر زندگی اطرافیان‌ش را با آگاهی دادن به آنها تغییر دهد. نمایشنامه دارما اقتباسی آزاد از رمان مشهور و موفق «مغازه خودکشی» اثر ژان تولی، نویسنده‌ی فرانسوی است. رمان، فضایی سیاه دارد و ترازوی است اما در تبدیل آن به نمایشنامه بسیاری از عناصر تعبیر کرده‌اند. کاراکتر اصلی رمان یک پسر بچه است که در نمایشنامه به دختر بچه تبدیل شده و نمایش فضایی فانتزی دارد. ویرجینیا، کاراکتر اصلی داستان،

کسی است که تغییر داستان و کاراکترها را رقم می‌زند. روند این تغییرات در طول صحنه‌های میانی اتفاق می‌افتد و هرچه به انتهای نمایش نزدیک می‌شویم همه چیز دگرگون می‌شود.

پروسه تمرینات این نمایش با توجه به فضای متفاوتی که دارد، نیازمند آمادگی ذهنی و خلاقیت بازیگران بود. گروه تئاتر دژاوو در روند تمرینات مجبور به تغییر تعدادی از بازیگران برای بهتر شدن نمایش شد و همین امر باعث گردید مدت زمانی حدود ۹ ماه برای آماده‌سازی نهایی اجرا زمان ببرد. سبک این نمایش اکسپرسیونیسم است و اتمسفر آن رگه‌هایی از سوررئال دارد. در طراحی دکور تلاش شده دکوری کاربردی ساخته شود که صرفاً جهت زیبایی و فضاسازی نباشد و کمی به سمت فضای مین‌مال سوق دارد. زائر نمایش، ملودرام است و تم آن تغییر و تحول درونی است. چیزی که اکثر انسان‌ها از آن هراس دارند، بیرون آمدن از دایره امن و روزمرگی‌هاست و زمانی که اولین قدم برای تغییر برداشته شد، همه چیز دگرگون می‌شود. دارما برای کارگردان و کل تیم اجرایی، همان رسالتی بوده که باید به انجام می‌رسید و به لطف خدا، شرایط اجرای آن در اردیبهشت و خردادماه امسال فراهم شد. انرژی مثبتی که از سوی شخصیت ویرجینیا بر کاراکترهای دیگر و به تماشاگران منتقل می‌شود، این اثر را دلنشین‌تر می‌کند.

ضمن این‌که تنوع قاب و میزانشن‌ها به گونه‌ای است که هر لحظه تصویری ماندگار را در ذهن ثبت می‌کند. گرچه تلاش ما بر این بوده که هر کاراکتر ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشته باشد.

قاب



آغاز یک نمایش کاربردی درمانی

نمایش‌های کاربردی درمانی «رهایی» کاری از میلاد جباری مولانا از امروز ۷ خرداد در مرکز رشد و گسترش فرهنگ و هنر نقاره‌خانه آغاز می‌شود. این برنامه نمایشی با موضوع نا بهنجاری‌های اجتماعی به طور تعاملی اجرا می‌شود و همزمان از رادیو نمایش هم پخش خواهد شد. از نکات قابل توجه این نمایش که تا پایان شهریور و هر دو هفته با موضوع‌های جدید به برنی نا بهنجاری‌های اجتماعی می‌پردازد، می‌توان به پخش زنده از رادیو نمایش و مشارکت هزاران نفر از این طریق به‌طور همزمان در نمایش اشاره کرد که مخاطب می‌تواند به‌صورت تلفنی و حضوری در مورد سیر دراماتیک برای نتیجه و پایان‌بندی داستان تصمیم‌گیری کند.

گیشه

فروش سالن‌های تئاتر شهر و چند تالار دیگر

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در تالارهای مختلف مجموعه تئاتر شهر، تماشاخانه سنگلج و تالار هنر به تفکیک اجراها مشخص شد.

براین اساس نمایش «سیندرلا» به کارگردانی مریم کاظمی که از ۲۰ اردیبهشت در تالار هنر با ظرفیت ۲۴۰ نفر و قیمت بلیت ۶۰ و ۷۰ هزار تومان روی صحنه رفته، تاکنون با مجموع ۱۱۳ اجرا و ۲۹۰۸ تماشاگر (با احتساب ارائه بلیت تمام‌پها، نیم‌پها، تخفیف‌دار و مهمان) به فروشی معادل ۱۷۵ میلیون و ۳۶۰ هزار تومان دست پیدا کرده است.

نمایش «قصه‌های درگوشی» که از ۲۵ اردیبهشت در تالار هنر روی صحنه رفته، تاکنون در ۱۰ اجرا به فروش ۲۱ میلیون و ۸۲۹ هزار تومانی، نمایش «مجلس شبیه لیر بیچاره» در ۱۲ اجرا، ۱۳ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان، «کنیزک و پادشاه» در ۱۴ اجرا، ۶ میلیون و ۹۹۷ هزار تومان، «سیمرغ» در پنج نوبت اجرا یک میلیون و ۶۵۶ هزار تومان و «قصه‌های درگوشی» با پنج نوبت اجرا، ۱۵ میلیون و ۱۴۰ هزار تومان و نمایش «پروانه و یوغ» با دو اجرا ۶ میلیون و ۲۴۰ هزار تومان فروش داشته‌اند.



«عشق در پیروی» در سنگلج

نمایش «عشق در پیروی» به نویسندگی موبدالممالک فکری ارشاد و کارگردانی مرتضی فرهادنیا از ۱۶ خرداد تا ۶ تیر ۱۴۰۲ در ادامه اجراهای بخش دانشجویی تماشاخانه سنگلج در این تماشاخانه روی صحنه می‌رود.

سحر نعلبند مجد، ملیکا حکمی، سارا داننده، محبوب محمدی، محدثه سوزنده، آواگردجهان بیگلر، بینا اکبری، ابولش بزدان پناه و فاطمه سادات مرعشی از جمله بازیگران این نمایش هستند. داستان این نمایش که برداشت آزاد از نمایشنامه «عشق در پیروی» نوشته مؤیدالممالک فکری ارشاد است در سال ۱۳۳۷ رقم می‌خورد. زمانی که اداره تلویزیون توسط زنان تأسیس شد، اما درست در روز افتتاحیه سیستم صوتی اداره تلویزیون قطع می‌شود و آنها بر خلاف میل‌شان از اداره رادیو که تنها توسط آقایان اداره می‌شود کمک می‌گیرند که صدای نمایش (عشق در پیروی نوشته موبدالممالک فکری ارشاد) توسط آقایان اجرا شود. بدین‌سان آنچه تماشاگران در صحنه می‌بینند، چهره زنانی است که با صدای آقایان نمایش خود را اجرا می‌کنند.

